



# اشتغال، موانع و راهکارها

بخش دوم و پایانی میزگرد سیاستهای اشتغال دولت در بوته نقد

شرکت‌کنندگان در میزگرد



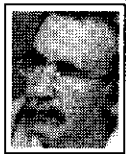
محمدرضانجفی‌منش



علی‌اکبر صابری



حسن سائقه



رحیم‌رحیم‌زاده‌اسکویی



احسان خانی



سیدرضا پورنقی



مرتضی بهشتی



علیرضا امامی



بهمن آرمان

بهمن آرمان

دکترای اقتصاد، معاون طرح و برنامه شرکت نورد و لوله اهواز

علیرضا امامی

دکترای اقتصاد با گرایش توسعه، مدیر دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی استراتژیک سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران

مرتضی بهشتی

داری تحصیلات عالی در اقتصاد، آمار و مدیریت، از بنیانگذاران انجمن مدیران صنایع، دبیرکل کنفدراسیون صنعت ایران

سیدرضا پورنقی

فوق‌لیسانس توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی، مدرس و محقق بودجه و اشتغال و بازار کار، مدیرکل خدمات اشتغال وزارت کار و امور اجتماعی

احسان خانی

مهندس مکانیک از دانشگاه صنعتی شریف، فوق‌لیسانس مدیریت اجرایی، مدیرعامل شرکت مدیریت سرمایه‌گذاری برق و لوازم خانگی تامین، معاون امور شرکتهای صنعتی و معدنی شرکت سرمایه‌گذاری تامین اجتماعی

رحیم‌رحیم‌زاده‌اسکویی

دکترای اقتصاد اجتماعی از آلمان، عضو هیات علمی کارشناسی ارشد سازمان مدیریت صنعتی و عضو بخش مشاور مدیر و مدیریت تحول این سازمان (اداره‌کننده میزگرد)

حسن سائقه

مهندس مکانیک از دانشگاه علم و صنعت، عضو هیات مدیره و مدیرعامل شرکت پارس الکترونیک

علی‌اکبر صابری

فوق لیسانس مهندسی مکانیک از دانشگاه شیراز، مدیرمسئول مجله مکانیک، رئیس هیات مدیره انجمن تولیدکنندگان لوازم خانگی ایران

محمدرضانجفی‌منش

مهندس مکانیک از دانشگاه صنعتی شریف، عضو هیات مدیره و دبیر اجرایی انجمن سازندگان قطعات و مجموعه‌های خودرو، مدیرعامل شرکت فترولول ایران

## اشاره

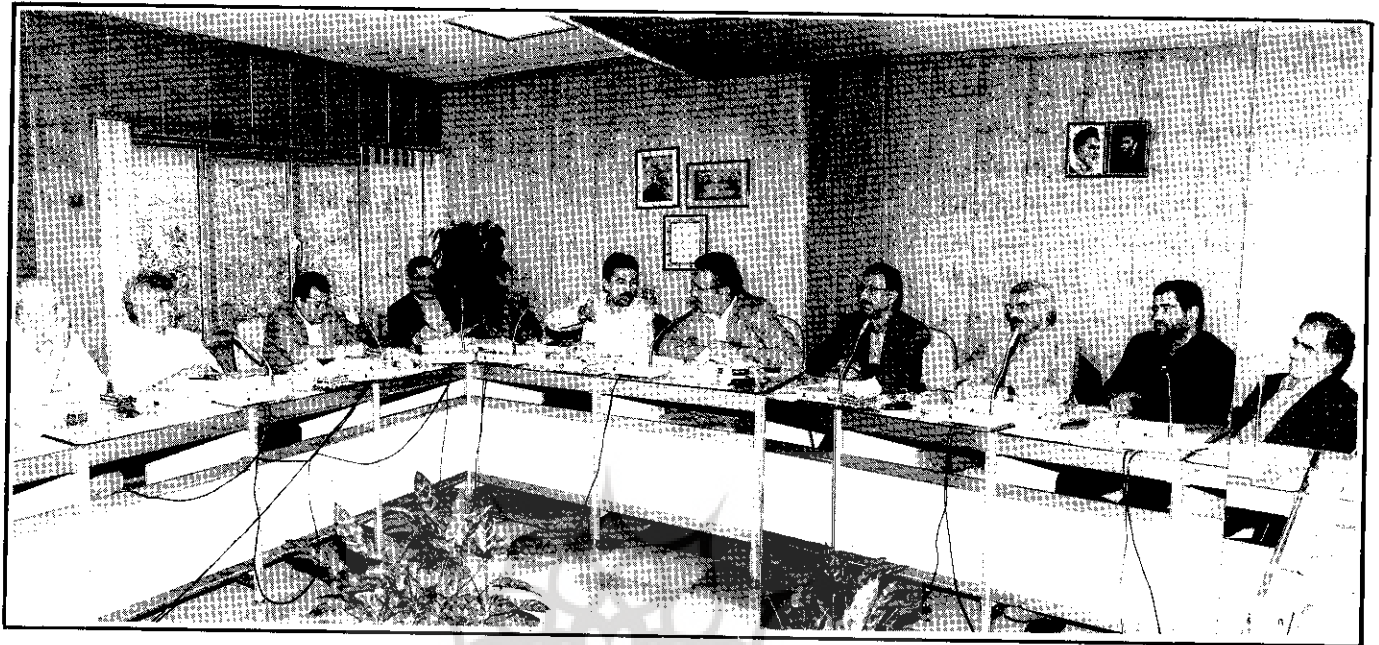
در نخستین بخش این میزگرد که در شماره گذشته به چاپ رسید، خوانندگان با دیدگاهها، نظرات، تحلیل و نقد شرکت‌کنندگان پیرامون سیاستهای اشتغال دولت آشنا شدند.

در بخش نخست، خلاصه پاره‌ای از دیدگاهها چنین بود: بیکاری در جامعه ما حاصل ساختارهای اقتصادی حاکم بر جامعه است؛ فضای بازدارنده کسب‌وکار نظیر قانون کار، رغبت به سرمایه‌گذاری را در کشور کاهش داده است؛ قاچاق کالا اشتغال سالم را از بین برده است؛ دولت در زمینه اشتغال و بیکاری به جای درمان ریشه، به درمان عارضه پرداخته است؛ روند دولت‌سالاری در جامعه ما اجازه حل هیچ مشکلی را در چارچوب توسعه اقتصادی نمی‌دهد؛ عمده‌ترین عوامل بیکاری عدم تعادل عرضه و تقاضای کار، به هم ریختن ترکیب جمعیتی و عدم هماهنگی بین توسعه اقتصادی و توسعه منابع انسانی است؛ تا زمانی که برای توسعه اقتصادی برنامه‌ریزی نشود، مشکل بیکاری حل نخواهد شد؛ ریشه‌ای‌ترین مشکل بیکاری در عدم امنیت سرمایه است؛ قوانین کشور ضد حرکت و ضد کار است؛ و بالاخره برای بحث دربارہ سیاستهای دولت در زمینه اشتغال، باید برنامه سوم توسعه ملاک عمل قرار گیرد.

آنچه در این قسمت - که دومین و آخرین بخش میزگرد تدبیر درباره اشتغال است - به آگاهی شما می‌رسد پیشنهادها و راهکارهای اجرایی است که هریک از شرکت‌کنندگان بر پایه مطالعات، تجارب و شناخت خود از شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور بیان داشته‌اند.

در همین جا یادآور می‌شود تدبیر از دریافت هرگونه نقد و پیشنهاد پیرامون این قضیه استقبال می‌کند و نظرات دریافتی را برای اطلاع خوانندگان و سیاستگذاران، چاپ و منتشر خواهد کرد.

در فرجام سخن با امید به اینکه چنین میزگردهایی در حل مشکلات اقتصادی جامعه و برنامه‌ریزی‌های آینده موثر واقع شود، بخش پایانی میزگرد را از نظر می‌گذرانیم.



کشور و احترام به سرمایه‌گذاران و ایجادکنندگان شغل و فرصتهای شغلی

- جلوگیری از قاچاق کالاهای غیرضرور و مصرفی
- عدم مصرف کالاهای خارجی مصرفی توسط بخش دولتی و شرکتهای دولتی
- توجه به اهداف برنامه در زمینه اشتغال و راهکارهای اعلام‌شده در برنامه
- و بالاخره افزایش سرمایه‌گذاری و توجه به کارآیی سرمایه‌گذاری در کشور.

سابقه: در مورد محور دوم جلسه پیرامون طرحهای پیشنهادی کوتاه‌مدت و بلندمدت در زمینه اشتغال باید عرض کنم که برای رفع عارضه واقماً خطرناک بیکاری در کل کشور، در مرحله اول و در کوتاه‌مدت، توسعه ساخت مسکن را می‌توان به‌عنوان محور ایجاد اشتغال در پیش گرفت؛ زیرا مشاغل بسیار متنوع و قابل توجهی را ایجاد می‌کند و مصرف‌کنندگان هم پای آن ایستاده‌اند.

چنانچه این کار با تسهیلات و هدایت مناسب همراه باشد، در کوتاه‌مدت می‌تواند از یک طرف نقش عمده‌ای در ایجاد مسکن که نیاز اکثر جوانان است داشته باشد و از طرف دیگر در ایجاد مشاغل متعدد در حوزه‌های خدمات و تولید بسیار موثر است و کارگاهها و کارخانه‌های

استانهای کشور سه‌برابر استانهای دیگر است. باید به اشتغال فارغ‌التحصیلان توجهی خاص شود، ولی این تسهیلات منابع ما، روی اشتغال فارغ‌التحصیلان خیلی تاکید ندارد.

در حال حاضر نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان ۱/۵ برابر متوسط بیکاری جامعه است. الان برای فارغ‌التحصیلان ما خصوصاً علوم انسانی بازار کار وجود ندارد. ما باید با توجه به قانون برنامه سوم، نقاط ضعف و قدرت بخش اشتغال را شناسایی و اشکالات آن را برطرف کنیم.

به‌طور خلاصه به‌منظور ایجاد اشتغال مولد و توسعه فرصتهای شغلی و کاهش میزان بیکاری در جامعه می‌توان پیشنهادها و راه‌حل‌هایی را به این شرح مورد توجه قرار داد:

- استفاده از ظرفیتهای موجود و کارگاههای فعلی در کشور و افزایش ظرفیت آنها
- کوچک کردن دولت و توسعه بخش خصوصی
- تحول در نظام آموزش عالی و آموزش متناسب با نیاز بازار کار
- توجه به ویژگیهای بازار کار در هرگونه سیاستگذاری و دادن منابع در زمینه اشتغال
- توجه به برنامه‌ریزی و فرهنگ برنامه‌ریزی در نظام دولتی و کارآمدی نظام برنامه‌ریزی کشور
- کاهش هزینه‌های تولید و توجه به صنایع کوچک و کارا
- افزایش فرهنگ کار و افزایش انگیزه کار در

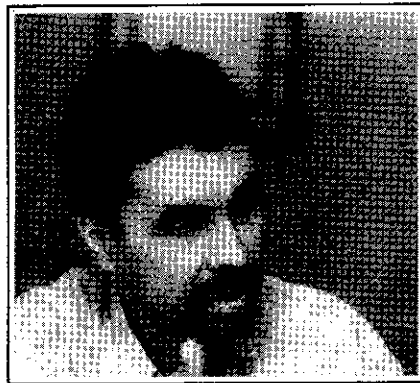
اسکویی: در دور اول میزگرد که مباحث آن در شماره قبلی تدبیر انتشار یافت، خوانندگان مجله با محور نخست بحث، یعنی دیدگاهها و نقد و تحلیل شرکت‌کنندگان پیرامون سیاستهای دولت در زمینه اشتغال آشنا شدند.

اکنون محور دوم میزگرد به ارائه پیشنهادها و راهکارهای بلندمدت و کوتاه مدت درباره اشتغال سازنده در کشور اختصاص دارد. می‌گویند وقتی آب استخری آلوده باشد، نمی‌توان حتی در آن یک متر مکعب آب سالم نگاه داشت. من می‌گویم امکان‌پذیر است. می‌توان در وسط استخر آب آلوده، یک جزیره درست کرد.

با تمیز کردن یک مترمکعب آب را می‌توانیم یک جزیره دیگر احداث کنیم. این همان تلاش و مبارزه‌ای است که عرض کردم. آن‌قدر فشار را از پایین زیاد می‌کنیم که آن ساختار بالا مجبور شود آب را تغییر دهد. درواقع این حرکت از پایین است که بالا را مجبور به تغییر می‌کند. اکنون از دوستان تقاضا می‌شود به ارائه پیشنهادهای خود در زمینه اشتغال بپردازند.

پورنقی: ما اگر بخواهیم هرگونه سیاستی را در ارتباط با اشتغال پیاده بکنیم، ناگزیر هستیم به ویژگیهای بازار کار توجه کنیم. این ویژگیها را بعضی دوستان اشاره کردند. بیکاری در برخی از

کوچک و بزرگ هر یک به سهم خود می‌توانند از آن بهره‌مند می‌شوند. البته بانکها در این زمینه می‌توانند نقش بسیار موثری داشته باشند. امروزه در کشورهای صنعتی، بانکها در قلب فعالیتهای اقتصادی قرار دارند. چنانچه بانکها از صنعت و بازرگانی و خدمات حمایت موثر نکنند، نمی‌توانند به درجه مناسبی از رشد و پیشرفت برسند. زمینه‌های زیادی وجود دارند که لازم است اصلاح و همساز و هماهنگ شوند تا منجر به رشد و توسعه اقتصادی و در نتیجه ایجاد اشتغال گردد.



### پورنقی:

**کوچک کردن دولت و توسعه بخش خصوصی و نیز تحول در نظام آموزش عالی متناسب با نیاز کار، یکی از راههای ایجاد اشتغال مولد است.**

**توجه به ویژگیهای بازار کار در هرگونه سیاستگذاری و دادن منابع در زمینه اشتغال، از عوامل موثر در جهت ایجاد اشتغال سالم است.**

**به اعتقاد من برای کاهش میزان بیکاری در جامعه، باید فرهنگ و انگیزه کار افزایش یافته و سرمایه‌گذاران و ایجادکنندگان فرصتهای شغلی مورد احترام قرار گیرند.**

**عدم مصرف گالاهای خارجی مصرفی توسط بخش دولتی و جلوگیری از قاچاق گالاهای مصرفی، موجب کاهش میزان بیکاری و ایجاد اشتغال مولد می‌شود.**

**افزایش سرمایه‌گذاری و توجه به کارایی آن و همچنین توجه به اهداف برنامه در زمینه اشتغال، از راههای ایجاد اشتغال به‌شمار می‌رود.**



کارخانه چسبید باید تا آخر رهاش نکرد. ما باید بااصلاح قوانین این فکر را جایبندازیم؛ کاری که تمام دنیا آن را انجام می‌دهد و کارشان هم خوب پیش می‌رود. اتفاق دیگر اینکه باافرادی که بیکار می‌شوند، چگونه باید برخورد کرد؟ به‌اعتقاد من کارفرما

نجفی‌منش: ما در این میزگرد مشکل بیکاری را به‌عنوان مساله حادی که در جامعه وجود دارد ریشه‌یابی کردیم. اما برای رفع این مشکل چندراه حل وجود دارد که به‌نظر من اولین آن کار فرهنگی است. کار فرهنگی در جامعه نیاز به تکرار، تکرار و تکرار دارد. من همیشه این مثال را برای دوستان می‌زنم و می‌گویم جزئیات وقایع روز عاشورا و شهادت امام حسین (ع) را همه می‌دانیم. چرا می‌دانیم؟ برای اینکه زیاد تکرار شده است. جامعه نیاز به کار، کار نیاز به سرمایه و نیز سرمایه نیاز به امنیت دارد.

شمار آقای خانمی رئیس‌جمهور در روز صنعت این بود که استفاده از تولید داخلی باید افتخار تلقی شود. ما باید به‌قدری میزگرد، مصاحبه، گفتگو، سمینار و سخنرانی بگذاریم که اهمیت کار را در جامعه جا بیندازیم. اگر می‌خواهیم جامعه آباد داشته باشیم، باید به مصرف و تولید داخلی توجه و اهمیت داده شود. اگر کالای داخلی اشکال هم داشت، باید ایراد آن را رفع کنیم.

### ضرورت اصلاح قوانین

نکته دوم حفظ اشتغال موجود است. واقعیت این است که باتوجه به قوانین و مقررات موجود، بعضی کارفرمایان حاضرند اضافه‌تر هم هزینه کنند تا از دست همان افراد موجود رهایی پیدا نکنند. این خطرناکترین پدیده‌ای است که ضربتی باید حل شود. اگر این قضیه حل شود، من قول می‌دهم که دو اتفاق صورت خواهد گرفت: یک عده افرادی که در کارخانه‌ها کار نمی‌کنند و مانع کار هستند جابجا می‌شوند. برای بقیه هم کار ایجاد می‌شود و جای آنها را دو برابر نیرو پر خواهد کرد.

امنیت شغلی را به‌قول آقای جک ولش مشتری معین می‌کند نه اینکه فلان کارگر وقتی به

نیاید تاوان تمام این افراد را بدهد. اگر تامین اجتماعی ما فعال عمل کند، این قضیه هم حل خواهد شد. اما در چه زمینه‌هایی می‌توانیم اشتغال سریع ایجاد بکنیم.

به‌نظر من یکی از آنها بخش مسکن است که دوستان به‌درستی به ایجاد مسکن ارزان‌قیمت اشاره کردند. البته باید شرایطی فراهم کرد که وقتی مسکن تولید شد، افراد قدرت خرید آن را داشته باشند. قبل از انقلاب، افراد با شرایط خیلی ساده می‌توانستند مسکن تهیه کنند و زمان بازپرداخت وام آن حتی تا بیست سال بود. اما اکنون نه تنها نرخهای بهره وام را افزایش داده‌اند، بلکه زمان بازپرداخت آن را هم کوتاه کرده‌اند. باید شرایط سهل‌تر شود تا بخش مسکن فعال شود.

### اشتغالزایی صنعت خودرو

بخش خودرو در کشور اشتغالزایی خوبی می‌تواند داشته باشد. در حال حاضر به‌ازای هر ۱۷ نفر یک خودرو داریم. در اروپا به‌ازای هر ۲/۵ نفر یک خودرو موجود است. ما می‌توانیم برای فعال‌کردن و ایجاد اشتغال در بخش خودرو، خودروهای ارزان‌قیمت در حد سه تا چهار میلیون تومان تولید کنیم. از آن طرف شرایط لزیبگ داشته باشیم و بتوانیم خودرو را به‌صورت اقساطی به‌افراد واگذار بکنیم. به‌ازای هرشغل که در تولید خودرو و قطعاتش وجود دارد، می‌توان ۷ شغل در کنار آن ایجاد کرد و بازار مصرف هم می‌تواند آن را فعالتر کند.

بخش جهانگردی و گردشگری، یکی دیگر از بخشهای اشتغالزا در کشور است. خوشبختانه ما از نظر اکوتوریسم و جاذبه‌های تاریخی و طبیعی، یکی از غنی‌ترین کشورها هستیم. اگر این بخش فعال شود و تسهیلات بیشتری در اختیار آن قرار گیرد، می‌توان از این طریق شغل‌های بسیار زیادی در جامعه ایجاد کرد.

بخش دیگر، تکنولوژی اطلاعات (IT) است. هندی‌ها در این زمینه خیلی از ما جلوتر هستند و بازار خیلی خوبی هم وجود دارد. همان‌طوری که به‌درستی اشاره شد، ما مهارتها را آموزش نمی‌دهیم. آموزش مهارتها می‌تواند ایجاد کار یا شغل کند.

در حال حاضر یک میلیون و چهارصد هزار نفر در کنکور دانشگاهها شرکت می‌کنند و افراد با هزینه‌های زیاد وارد دانشگاه می‌شوند. ما می‌توانیم در کنار دانشگاهها، در زمینه ایجاد

سرمایه‌داران، همراه با سرمایه‌های خود فرار کردند. پیام ما به دولتمردان این است که شرایط امن را با تلنگرهای بی‌دلیل از دست ندهیم. فعالیت نزدیک به چهل هزار شرکت ایرانی در دبی، نشانه عدم امنیت سرمایه‌گذاری در داخل است.

**خاتمی:** به اعتقاد من در شرایط فعلی، برای ایجاد اشتغال و رفع مشکل بیکاری، می‌توان پیشنهادهایی را به این شرح به‌اجرا گذاشت:

۱ - تلاش جهت بهبود فضای کسب‌وکار (اصلاح قوانین مربوط به تامین اجتماعی، کار، بانکی (سقف - مدت - نرخ و...) به طوری که باعث توسعه فعالیت در بنگاههای اقتصادی موجود و بهبود بهره‌وری نیروی کار و سرمایه‌گذاری می‌شود. ورود سرمایه داخلی و خارجی برای فعالیتهای خدماتی و صنعتی، نهایتاً موجب ایجاد اشتغال جدید می‌شود.

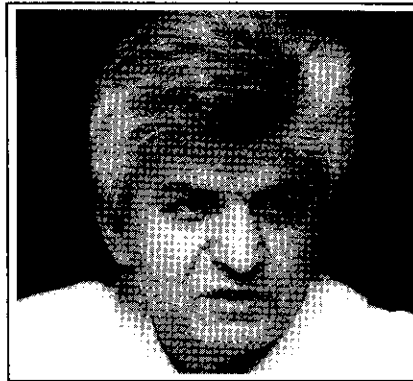
۲ - توسعه فعالیتهای عمرانی که باعث توسعه رفاه مردم و ایجاد اشتغال مولد نه فقط در پروژه عمرانی، بلکه در کلیه زیرمجموعه‌های تولیدی و خدماتی - که نیازهای جانبی این پروژه‌ها را تامین می‌نمایند - می‌شود.

۳ - توسعه فعالیتهای تکنولوژی اطلاعات (IT) در کشور و بهره‌گیری از نیروهای جوان و پرتوان در این زمینه، باعث اشتغال موثر و حتی موجب ارزش‌آوری قابل ملاحظه‌ای خواهد شد. طبق آمارهای اعلام شده در کشور هندوستان، این امر موجب صادرات حدود ۸ میلیارد دلار نرم‌افزار از آن کشور شده است.

۴ - ممانعت جدی از ورود قاچاق کالاهایی که قابل تولید در کشور هستند. در حال حاضر قاچاق کالا باعث کاهش تولید و سودآوری بنگاههای تولیدی شده و اشتغال را مورد تهدید جدی قرار داده است. طبق مصاحبه‌هایی که در روزنامه‌های یک سال اخیر به چاپ رسیده، قاچاق کالا از ۲ تا ۱۰ میلیارد دلار برآورد شده است که عمده آنها شامل پارچه، لباس، چای، محصولات بهداشتی، محصولات صوتی و تصویری، دخانیات، برنج و... می‌باشد.

۵ - بهبود سودآوری با محاسبه ریسک سرمایه‌گذاری در صنعت و خدمات در مقایسه با سایر فعالیتهای، به نحوی که تمایل به سرمایه‌گذاری در فعالیتهای تولیدی و خدماتی بهبود یابد.

۶ - بهادادن به کارآفرینان.



### نجفی منش:

**اولین قدم برای رفع مشکل بیکاری و ایجاد اشتغال، کار فرهنگی است که نیاز به تکرار، تکرار و تکرار دارد.**

**جامعه نیاز به کار، کار نیاز به سرمایه و سرمایه نیز نیاز به امنیت دارد.**

**بخش خودرو در کشور، اشتغالزایی خوبی دارد و به‌ازاء هر شغل در تولید خودرو و قطعاتش، می‌توان ۷ شغل در کنار آن ایجاد کرد.**

**باید دانشگاههایی در کشور تاسیس شوند که نیروهای موردنیاز صاحبان صنعت را تربیت کنند و در مقابل، هزینه‌های تحصیل آنها را هم از صاحبان صنایع دریافت کنند.**

**فعالیت نزدیک به چهل هزار شرکت ایرانی در دبی، نشانه عدم امنیت سرمایه‌گذاری در داخل است.**

**سرمایه مثل آهوست و باکوچکترین صدایی (ناامنی) فرار می‌کند.**

ضمن اینکه، آن نگاه اصلی را به ریشه هم باید داشته باشیم. چون سرمایه مثل آهوست و با کوچکترین صدایی فرار می‌کند. تایوان دومین کشور از نظر ذخایر ارزی در دنیا بود. چین با شلیک چند موشک در اطراف تایوان، مقام این کشور را از دوم به یازدهم کاهش داد؛ زیرا

مهارتها، فعالیت عمل کنیم. با ایجاد این کار می‌توانیم، نه تنها مهارتهای جامعه خودمان را تامین کنیم، بلکه نیروی انسانی ماهری را تربیت کنیم که در کشورهای همسایه نیز بازار کار دارد. علاوه بر این، بخشی از نیروی کار ما را، نیروی خارجی اشتغال کرده است که می‌توانیم با برنامه‌ریزی درست، نیروهای داخلی را جایگزین آنها کنیم.

ما می‌توانیم با پرداختن به امور زیربنایی نظیر ایجاد سد، راه، مخابرات، آب و برق و سرمایه‌گذاری بیشتر در این زمینه‌ها ایجاد اشتغال کنیم. ذخیره‌های ارزی ما می‌تواند این حرکت را تسریع کند.

### نظام آموزشی و کارآفرینی

نکته دیگر اینکه کار را باید کارآفرین به وجود بیاورد و کارآفرینان ما هم متأسفانه مقطعی هستند. نظام آموزشی ما به کمک کارآفرین نمی‌آید. برای مثال اگر فرزند من این امکان برایش نیست که رشته‌ای که من در کارخانه به آن نیاز دارم، تحصیل کند، به‌ناچار او را به خارج از کشور می‌فرستم و در نهایت جذب آن محیط می‌شود و به کشور باز نمی‌گردد.

راستی ما چند کارخانه سراغ داریم که از پدربزرگ شروع شده و بعد به پسر و نوه رسیده باشد. اینها یک انباشت تجربه است و ما شرایط رشد را به‌وجود نمی‌آوریم. باید دانشگاههایی در کشور تاسیس شوند که نیروهای موردنیاز صاحبان صنعت را تربیت کنند و در مقابل هزینه‌های تحصیل آنها را هم از صاحبان صنایع دریافت کنند.

پیامد این کار آن است که تربیت‌شدگان چنین دانشگاههایی، هم دانشگاه و صنعت را می‌شناسند، هم کار ایجاد می‌شود و هم یک

ارتباط منطقی بین دانشگاه و صنعت ایجاد می‌شود. علاوه بر این، افراد از همان زمان دانشجویی همدیگر را می‌شناسند و ارتباط نزدیک میان آنها برقرار می‌گردد.

امروز در روزنامه می‌خواندم که ۵۰۰۰ استاد ایرانی به‌طور تمام‌وقت و نیمه وقت در دانشگاههای آمریکا تدریس می‌کنند. ما نزدیک یک میلیون ونیم داوطلب کتک‌خور دانشگاهها داریم. اگر بخشی از همین استادان را تشویق به آمدن کنیم و از آنها بخواهیم که همین پشت کتک‌خوری‌ها را آموزش مهارت دهند، قطعاً حرکت‌هایی در جهت اشتغال مولد ایجاد خواهد شد.



## عدم احساس مسئولیت

من که در مورد مسایل اقتصادی ایران خیلی کنکاش کرده‌ام و سعی کرده‌ام این‌گونه مسایل را به دقت مورد مطالعه قرار بدهم، به این نتیجه گیری رسیده‌ام که هزمی برای توسعه اقتصادی در ایران وجود ندارد و مسئولانی که بر سر کار هستند احساس مسئولیت نمی‌کنند. من اخیراً به یکی از معاونان سازمان گسترش و نوسازی گفتم که دولت وام‌های ویژه‌ای را برای احداث کارخانه‌های سیمان با بهره پایین و ۱۷ ساله پرداخت می‌کند. سازمان گسترش و نوسازی به‌عنوان یک سازمان توسعه‌ای کشور می‌تواند وارد این مقوله شود. از طرف دیگر گفتند که بر پایه سندرجات قانون پنج ساله سوم بخش خصوصی می‌تواند نیروگاه برق به روش B.O.T بسازد و برقش را به دولت بفروشد و دولت هم تضمین می‌کند. گفتم بهترین کاری است که سازمان گسترش می‌تواند انجام بدهد. در پی این صحبتها، جلسه‌ای به مدت دو ساعت برگزار شد. اما نتیجه همان صحبت‌های آقای مهندس صابری بود که در میزگرد ایراد کردند؛ یک تشکیلات دولتی بدون انگیزه که قادر به انجام کار نیست.

تا زمانی که ۸۰ درصد اقتصاد کشور دولتی است و عزمی برای توسعه و تولید جزم نشده است، تا زمانی که قوانین و مقررات از بانک گرفته تا قانون کار و تعرفه‌های گمرکی برضد تولید طراحی شده‌اند، و تا زمانی که دلالتان مافیای واردات در مراکز قدرت تصمیم‌گیری دخالت دارند، شما نمی‌توانید در این کشور صحبت از تولید پویا و پایدار بکنید.

البته ممکن است یک طرح اشتغالزایی تحت عنوان سیصد هزار شغل به‌ازای سه میلیون تومان ایجاد بکنید که هیچ آدم عاقلی نیست که از خودش بپرسد یا سه میلیون تومان چه شغلی می‌توان ایجاد کرد. من در مواردی شاهد قضیه بودم. یکی می‌گفت عده‌ای درخوزستان این وام را دریافت می‌کنند و بعد در بازار آزاد آن را به قیمت‌های دیگری واگذار می‌کنند. از این طرح نمی‌توان هرگز یک اشتغال سالم و پویا را انتظار داشت. بنابراین تا زمانی که ۸۰ درصد اقتصاد در دست دولت است و مدیران دولتی بدون انگیزه در رأس کارها قرار دارند، هرگز نمی‌توان شاهد اشتغال پویا بود.

## ضرورت تحول اساسی

مگر آن چیزی که در اروپای شرقی اتفاق



## آرمان:

**تا زمانی که توسعه اقتصادی و حل مشکلات برای ما به‌عنوان یک اصل در نیاید، توفیقی در کارها نخواهیم داشت.**

**بیکاری می‌تواند به‌عنوان یک بمب ساعتی عمل کرده و یا به‌عنوان ابزاری در خدمت جناح‌های سیاسی خاصی مورد استفاده قرار گیرد.**

**برای توسعه اقتصادی در کشور، عزمی وجود ندارد.**

**تا زمانی که ۸۰ درصد اقتصاد در دست دولت است، هرگز نمی‌توان شاهد اشتغال پویا بود.**

**ساخت‌وساز کشور برای توسعه فراهم نیست و از این ساخت‌وساز هم نمی‌توان انتظار اشتغال کامل و رفع مشکلات اشتغال را داشت.**

**اگر تصمیم بر این است که اشتغال در کشور ایجاد و گسترش پیدا کند، باید به جای طرح پرداخت وام سه میلیون تومانی، جلو قاچاق کالا برای همیشه گرفته شود.**

هنوز این حساسیت به وجود نیامده است. یعنی دولت و دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی ما فکر نمی‌کنند که بیکاری می‌تواند به‌عنوان یک بمب ساعتی عمل کرده یا به‌عنوان ابزاری در خدمت جناح‌های سیاسی خاصی مورد استفاده قرار بگیرد.

**آرمان:** من به جای ارائه پیشنهاد، عرایض قبلی خودم را تکمیل می‌کنم. شرایطی که ما در آن قرار داریم، آن‌چنان با کشورهای دیگر متفاوت نیست که آنها هم در شرایط مشابه ما قرار می‌گیرند. فراموش نمی‌کنیم که چندسال پیش کشورهای شرق آسیا نسبت به ایران دچار مشکلات بسیار شدیدتر و عمیق‌تر و در عین حال ساختاری‌تری شدند. در ترکیه دوسال پیش اوضاع و احوال آن‌گونه دچار تغییر و تحول شد که حتی رسانه‌های گروهی ما اعلام کردند که پرونده این نوع توسعه‌ها، بسته شده است.

حتی عده‌ای از زمامداران سیاسی کشور به اقتصاددانانی که راه‌حل رشد آسیای جنوب شرقی را به‌عنوان راهی برای خروج از بحران عقب‌افتادگی ایران توصیه می‌کردند، مورد ایراد قرار می‌دادند و بحران مالی این مناطق را مطرح می‌کردند. جالب اینکه آسیای جنوب شرقی نه تنها از آن بحران سالم بیرون آمد، بلکه به فاصله کمتر از ۲ سال جبران مافات کرد.

در یک مقطع و در نخستین سال خروج از بحران، رشد اقتصادی در کره جنوبی از مرز ۱۰ درصد فراتر رفت. بنابراین آنچه که در ایران در حال انجام است و ما با آن به‌عنوان مشکل برخورد می‌کنیم، مشکل لایتحلی نیست. خیلی افراد عنوان می‌کنند مسایلی که تحت عنوان بحران بیکاری، کاهش حجم سرمایه‌گذاری، پایین‌بودن رشد اقتصادی و بالا‌بودن نرخ تورم در کشور مطرح است، مشکلاتی هستند که قابل حل نیستند؛ زیرا اگر قابل حل بودند تا به حال حل می‌شدند.

ولی من فکر می‌کنم که شیوه فکرمان را باید نسبت به قضایا عوض کنیم. تا زمانی که توسعه اقتصادی و حل مشکلات برای ما به‌عنوان یک اصل در نیاید، ما توفیقی در کارها نخواهیم داشت. آقای سائقه باتوجه به مسئولیت خود، بیشترین بحران را در زمینه قاچاق احساس می‌کنند. هرسال بالغ بر ۶۰۰ تا ۷۰۰ هزار دستگاه تلویزیون قاچاق وارد کشور می‌شود. در حال حاضر میزان واردات قاچاق تلویزیون به‌حدی رسیده است که کارخانه‌هایی مثل پارس الکترونیک با نصف ظرفیت کار می‌کنند.

ایشان به نکته خیلی ظریف و دقیقی اشاره کردند و گفتند که دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی ما می‌توانند به‌راحتی حرکت‌های سیاسی کسانی را که برای نظام ما می‌توانند خطرناک باشند کنترل و خنثی کنند، ولی در رابطه با مسایل اقتصادی

در شرایط کنونی انسجام فکری و یکپارچه برای مقوله توسعه در حاکمیت وجود ندارد. در حال حاضر می بینم همگی اعم از صنعتگران، مدیران و کارشناسان از مقررات سخن می گویند. پس به طور قطع مشکل وجود دارد. حالا باید مشخص شود که مشکل کجاست؟

همه شواهد نشان می دهد که مسایلی نظیر سیاستهای پولی و مالی و نقدینگی، بانکها، مالیات و قانون کار مهمترین عوامل تاثیرگذار در توسعه صنعت هستند، ثبات سیاستهای دولت نیز از مهمترین عوامل است که قطعاً باید مورد توجه باشد. اشتغال حلقه آخر تولید است یعنی اگر سرمایه ای نباشد و تولیدی نباشد، اشتغال ایجاد نمی شود. سرمایه از کجا باید تامین شود؟ یا باید منبع داخلی داشته باشد یا منشاء خارجی. یکی از روشهای تامین منابع مالی داخلی، به کارگیری سرمایه بخش خصوصی است.

### توسعه پیمانکاری عمومی

در حال حاضر سرمایه های زیادی روی زمین داریم که بهره برداری نمی شوند، اگر به این سرمایه ها توجه شود و به مرحله بهره برداری برسند، تقاضای زیادی برای کار ایجاد می کنند. یکی از محورهای توسعه که در قالب مأموریت های جدید سازمان گسترش مورد تاکید است، توسعه پیمانکاری عمومی (G.C) است. توسعه (G.C)ها از جمله عواملی هستند که می تواند به شدت ظرفیتهای موجود در کشور را به کار گیرد. در یک برآورد کلی حدود ۲۰ میلیارد دلار کار پیمانکاری فقط در بخشهای نفت، پتروشیمی، گاز و نیرو وجود دارد. اگر حتی ۱۰٪ این پیمانها توسط پیمانکاران ایرانی گرفته شود، فرصتهای شغلی زیادی ایجاد خواهد شد. لذا اگر ما روی توسعه G.Cها کار کنیم، با به کارگیری ظرفیتهای داخلی منشاء اشتغال زیادی خواهیم شد.

جدا از به کارگیری سرمایه های موجود، راه اندازی طرحهای نیمه تمام و بهبود مدیریت می تواند زمینه فرصتهای شغلی قابل توجهی را فراهم کند. سازمان گسترش این عزم را دارد که در مسیر گفته شده حرکت کند. برای نمونه در فاز یک پارس جنوبی، بیش از پنجهزار شغل ایجاد کرده است. برآوردهای انجام شده نشان می دهد در فعالیتهای پیمانکاری در مقابل هر ۲۰/۰۰۰ دلار، می توان یک شغل ایجاد کرد. بنابراین در



### امامی:

**توسعه اقتصادی، نیازمند فکر و مدیریت توسعه ای است.**

**در شرایط کنونی، انسجام فکری و یکپارچه برای مقوله توسعه در حاکمیت وجود ندارد.**

**در حال حاضر سرمایه های زیادی روی زمین داریم که بهره برداری نمی شوند. در صورت بهره برداری، تقاضای زیادی برای کار ایجاد می شود.**

**توسعه پیمانکاری عمومی (G.C) و تشویق کار آفرینان کشور برای برعهده گرفتن اجرای طرحها، از برنامه های اشتغالزاست که سازمان گسترش در این زمینه ها فعالیت هایی را آغاز کرده است.**

**در یک برآورد کلی حدود ۲۰ میلیارد دلار کار پیمانکاری فقط در بخشهای نفت، پتروشیمی، گاز و نیرو وجود دارد.**

**امنیت فردی، شغلی، قانونی و اجتماعی از جمله مواردی است که قبل از هر چیز سرمایه گذار به آن ها نیازمند است.**

افتاد چه بود، جز آن چیزی که ما در ایران داریم؟ همین اوضاع و احوال بود که تشکیلات را به سمت آن فروپاشی گسترده هدایت کرد. اگر ما هم دچار دگرگونی اساسی نشویم و فکر کنیم که چرا ۴۰ سال پیش سدی مثل سد دز را ۶ ساله ساختند و الان یک سد با همان ابعاد و با تکنولوژی های بسیار پیشرفته ۱۵ ساله ساخته می شود به جایی نمی رسیم. بنابراین ریشه های بحران همین عوامل هستند که باعث می شوند بانک مرکزی در مقابل تولید بایستد و قوانین و مقرراتش را به گونه ای تدوین کند که امکان انجام کار نباشد.

من به عنوان نماینده وزارت امور اقتصادی و دارایی در حساب ذخیره ارزی مطلبی را می گویم که در تدبیر چاپ شود تا بدانید که مشکل چیست؟ طرح بسیار خوبی با هزینه سرمایه گذاری بسیار اندک بخش خصوصی برای ایجاد یک کارخانه فولاد ارائه شده است. اول گفتند که طرح گران است و حساب سازی کردند. قرار شد طرح را مهندس مشاور ابریتک مطالعه کند. ابریتک پس از مطالعه اعلام کرده است که حساب سازی نیست، بلکه از قیمت خرید کارخانه مجتمع فولاد خراسان هم ارزان تر است. بیش از یکسال از تقاضای احداث این کارخانه می گذرد. مجمع نمایندگان استان فارس و معاون وزیر هم دنبال این قضیه هستند، ولی کار به جایی نمی رسد؛ زیرا مملکت ساخته نشده است که تولیدی در آن صورت بگیرد.

این مسایل نشان می دهد که ساخت و ساز کشور برای توسعه فراهم نیست و از این ساخت و ساز هم نمی توان انتظار اشتغال کامل و رفع مشکلات اشتغال را داشت. اشاره به واردات قاچاق کالا شد که به طور علنی انجام می گیرد. گفته می شود که رقم قاچاق کالا در سال بین ۲/۵ تا ۳ میلیارد دلار است. این رقم مساوی با نابودی چندین میلیون شغل در کشور است. اگر تصمیم بر این است که اشتغال در کشور ایجاد و گسترش پیدا کند، باید به جای طرح پرداخت وام سه میلیون تومانی، جلو قاچاق کالا برای همیشه گرفته شود.

امامی: این اعتقاد قلبی من است که توسعه اقتصادی، فکر و مدیریت توسعه ای می خواهد. یعنی اگر فکر توسعه ای نباشد، توسعه ای رخ نخواهد داد. بنابراین تاکید من بیشتر بر راه حل های بلندمدت است. البته می توان طرحی

را در کوتاه مدت شروع کرد و تعدادی شغل ایجاد کرد. ولی یک طرح باید به نحوی تنظیم شود که قابلیت تداوم داشته باشد و نتیجه مطلوبی از آن حاصل شود. من هم تصور می کنم با توجه به اظهارات آقای دکتر آرمان، الان مهمترین معضل برای بحث اشتغال، مساله عزم توسعه است؛ زیرا

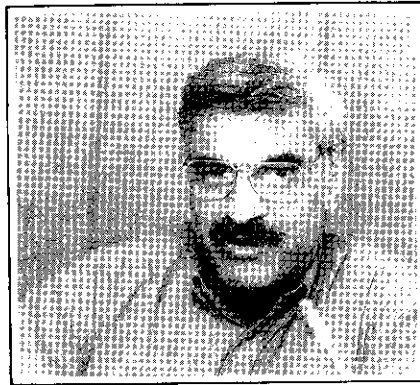
فعالیتی انجام می‌دهند تا دانشگاه‌های ما مطابق با نیاز بازار، رشته‌های تحصیلی خود را دایر کنند. مجدداً تاکید می‌کنم که بحث توسعه یک پکیج و مجموعه است و یک پدیده خطی هم نیست. بایستی چندین خط باهم کار کنند تا حرکت و سازندگی صورت گیرد، و اشتغال نیز معلول توسعه یافتگی است، تا سرمایه‌گذاری صورت نگیرد، فرصت شغلی ایجاد نخواهد شد. سرمایه‌گذاری هم در درجه اول نیاز به امنیت دارد. امنیت فردی، شغلی، قانونی و اجتماعی از جمله مواردی است که قبل از هر چیز سرمایه‌گذار به آنها نیازمند است.

**صابری:** واقعیت این است که اگر نظام حاکم باور به کاری نداشته باشد و صمیمانه از آن کار حمایت نکند، آن کار شدنی نیست. ما هرچقدر کار کارشناسی انجام دهیم، زحمات مان بی‌حاصل خواهد ماند.

مشکل اساسی از این نقطه سرچشمه می‌گیرد که اصولاً عزمی برای حرکت به این سمت وجود ندارد. در هر صورت دولت به مردم بدهکار است و این بدهکاری را از صدها سال پیش به ارث برده است که به مردم ثابت کند که تصمیم جدی و عزم راسخ دارد که مردم را به بازی بگیرد و آنان را در صحنه توسعه اقتصادی وارد بکند. باحرف و سخن و بیانیه مساله حل نمی‌شود.

اولین قدم توضیح دولت این است که به مردم گزارش دهد که چگونه در این صدسال سرمایه‌های ملی و فرصت‌های طلایی به‌خاطر تسلط دولت بریاد رفته است. بازده سرمایه‌گذاری دولت چقدر است؟ کارخانه‌های فولاد و خودرو پتروشیمی، برق و... چگونه کار می‌کنند؟ وضعیت محصولات این کارخانه‌ها در بازار رقابت بین‌المللی چگونه است؟ و در پی آن کار فرهنگی باید صورت گیرد. برای کار فرهنگی باید اطلاعات به‌روشنی و شفافیت در اختیار مردم قرار گیرد و نشان داده شود که چرا راندمان سرمایه‌گذاری در بخش دولتی پایین است. تا زمانی که فکر و فرهنگ دولت و مردم در جهت توسعه، اصلاح نشود، هیچ کاری را نمی‌توان برای ایجاد اشتغال سالم، انجام داد.

در این راستا محدود کردن قاچاق، دارای اهمیت زیاد است. الان مشتری اصلی قاچاق، دولت است و کسافی است عزمی بسرای محدود کردن قاچاق به‌وجود آید. اگر عزمی برای محدود کردن قاچاق صورت نگیرد و به مرحله



### صابری:

**تا فکر و فرهنگ دولت و مردم در جهت توسعه اصلاح نشود، هیچ کاری را نمی‌توان برای ایجاد اشتغال سالم انجام داد.**

**اگر از سه بخش مسکن، انرژی و نرم‌افزار، حمایت کافی به‌عمل آید، اشتغال زیادی ایجاد خواهد شد.**

**ریشه ایجاد اشتغال، منابع است. ما اگر منابع ملی را حفظ کنیم، به دنبالش اشتغال بسیار عظیمی ایجاد خواهد شد.**

**کشور هند پیش از در آمد نفت، از محل نرم‌افزار صادرات دارد.**

**نیروهای خلاق و آموزش دیده و نیاز بازار داخلی ما، ایجاد می‌کند که به شدت و فعالانه وارد حوزه نرم‌افزار شویم.**

**برای رسیدگی سریع به مساله اشتغال، باید کمیته‌هایی با اختیار کافی تشکیل شود و کمیته‌ها با تعلیق قوانین دست‌وپاگیر و ارانه و اهکارهای موثر، فعالیت خود را بر روی سه بخش مسکن، انرژی و نرم‌افزار متمرکز کنند.**

توسعه اقتصاد صورت نگرفته است. لذا دستمزد و حقوق نیز خارج از مکانیزم بازار تعیین می‌شود.

کدام موسسه و مرکز تحقیقاتی در کشور مطالعه کرده است که دانشجویان دانشگاه‌های ما بعد از فارغ‌التحصیل شدن از دانشگاه‌ها چه

مقابل هر میلیارد دلار کار، حدود ۵۰ هزار فرصت شغلی ایجاد خواهد شد، ضمن اینکه موجبات توسعه صنعتی فراهم می‌شود.

غیر از بحث بیمانکاری عمومی، یکی دیگر از برنامه‌های اشتغال‌زای، گسترش تشویق کارآفرینان کشور برای به‌عهده گرفتن اجرای طرح‌هاست، که سازمان گسترش در این زمینه نیز فعال است.

### مشارکت بیشتر بخش خصوصی

از دیگر زمینه‌هایی که موجبات فرصت‌های شغلی را ایجاد می‌کند، بحث سرمایه‌های خارجی است. کشور ما کمبود منابع دارد و ضرورت دارد سرمایه‌های خارجی جذب شوند. اما نکته مهم این است که اگر بخش خصوصی به همراه انتقادهایی که از بخش دولتی دارد خود نیز در فعالیتها مشارکت بکند، به‌عنوان کارآفرین در اشتغال و سازندگی نقش عمده‌ای را خواهد داشت.

اعتقاد ما بر این است که قدرت سیاسی و امکانات دولت به‌تنهایی برای توسعه اقتصاد کفایت نمی‌کند، بلکه توان دولت همراه با خلاقیت، بازارسنجی و فکر اقتصادی بخش خصوصی می‌تواند کارساز باشد. بخش خصوصی و دولتی می‌توانند مکمل خوبی برای اشتغال و سازندگی باشند. برای انجام این کار نیاز به عزم طرفین است، بخش خصوصی باید اعتمادش را بیشتر کند و پا جلو بگذارد. و بخش دولتی نیز باید با نوع سیاست‌گذاری، میزان بی‌اعتمادی بخش خصوصی نسبت به خود را کاهش دهد.

آخرین نکته بحث آموزش است. به گواهی آمار در حال حاضر افراد بیکار تحصیل کرده در کشور، یک ونیم برابر افراد بیکار غیر تحصیل کرده را تشکیل می‌دهند. این امر نشان می‌دهد که نظام آموزشی ما با نظام توسعه اقتصادی هماهنگ نیست و مکانیزم آن درست عمل نمی‌کند. مکانیزم بازار در کشور از نظر حقوق و دستمزد درست عمل نمی‌کند. ملاک اصلی، بهره‌وری نیست، بلکه درجه تحصیلات، عامل تعیین‌کننده است که به‌نظر من این پدیده معلول حاکمیت دولت در اقتصاد است. در یک اقتصاد آزاد، بازار کار، بازار سرمایه و بازار محصول، تعیین‌کننده بازدهی‌ها و برگشت به عوامل تولید است.

در اقتصاد دولتی هرکس ترجیح می‌دهد که در بخش دولت جذب شود و حتی حقوق اندک آن را به بخش خصوصی ترجیح می‌دهد. در کشور ما، هیچگاه توسعه آموزش براساس برنامه

ایجاب می‌کند که به‌شدت و فعالانه وارد حوزه نسرم‌افزار شویم. در این صورت اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاهها هم می‌تواند به‌سرعت عملی شود. توسعه نرم‌افزار؛ یعنی توسعه مغزافزار و جذب نیروهای متخصص آموزش دیده دانشگاهی. به‌این دلیل باید روی نرم‌افزار تمرکز صورت گیرد.

من اعتقاد دارم که برای ایجاد اشتغال مولد باید فقط محدود به این سه بخش شویم و از پراکنده‌کاری بپرهیزیم. بایستی کمیته‌هایی از نهادهای مدنی و انجمن‌های تخصصی تشکیل شوند و قوانین بازدارنده و دست‌وپاگیر مانند قوانین بانکی را تعلیق کنند.

من یک مثال می‌زنم. بعد از انقلاب به همراه دوتن از دوستان به‌عنوان نمایندگان وزارت صنایع و بانک مرکزی، و اتاق بازرگانی عضو یک کمیته سه نفره بودیم که به‌علت فعال‌نبودن سیستم بانکی می‌بایست موسسات و شرکتهای خوابیده را راه می‌انداخت. براساس تصمیمات ما و باامضای سه‌نفرمان که برای تمام بانکها لازم‌الاجرا بود، وام می‌دادیم. ما البته گزارشهای مربوط به تعطیلی صنایع و دلیل درخواست وام را از متقاضیان وام دریافت می‌کردیم و سپس با یک کارشناسی خیلی مختصر به آنها پول می‌دادیم. در آن موقع تا ۳/۵ میلیارد تومان از این محل پرداخت شد. بعد از گذشت ۲ سال، مدیرکل اعتبارات بانک مرکزی گزارش داد، تنها پولی که در این مملکت صرف صنایع شد و تمام آن به سیستم بانکی برگشت، همین ۳/۵ میلیارد تومان بود که یک ریال آن هم سوخت نشد.

در آن زمان ما فقط به مردم و گزارشهای کارشناسی اعتماد کردیم و مردم هم به ما اعتماد کردند و خیلی سریع کارهایشان را با منطبق جلو بردیم. بسیاری از قوانین را می‌توان برای تسهیل کارها بازنگری کرد و یا تغییر داد. من معتقدم که برای رسیدگی سریع به مساله اشتغال باید کمیته‌هایی بااختیار کافی تشکیل شود و کمیته‌ها با تعلیق قوانین دست و پاگیر و ارائه راهکارهای موثر، فعالیت خود را بر روی سه بخش مسکن، انرژی و نرم‌افزار متمرکز کنند.

**بهشتی:** خوشبختانه دوستان تمام پیشنهادها و راه‌حلهای اساسی را ارائه دادند. من وقت عزیزان را نمی‌گیرم. مساله آینده اشتغال ما با بازارهای جهانی ارتباط مستقیم دارد. برای مثال اگر شما عضو WTO باشید، قیمت کالایی که وارد مرز ما



### بهشتی:

**مساله آینده اشتغال در جامعه ما، با بازارهای جهانی ارتباط مستقیم دارد.**

**پیوند با سازمانهای جهانی و آنچه که به اصطلاح امروز اعتبار دهنده بین‌المللی است، از ضروریات حتمی برای ایجاد اشتغال سازنده است.**

**همزمان با افزایش داناییها، مساله کارآفرینی در مملکت ما باید به صورت گسترده و علمی افزایش یابد.**

**ما در این نظام می‌توانیم در یک فضای آزاد و رقابتی در بخشهای مختلف ایجاد اشتغال کنیم؛ به شرطی که دانایی و کارآفرینی را گسترش دهیم و همزمان با کشورهای جهان به تعامل بپردازیم.**

**شرط ارتباط با جهان آزاد، این است که دولت حجم خودش را کوچک کند و از بسیاری از مسایلی اقتصادی دست بردارد.**

اشتغال بسیار عظیمی ایجاد خواهد شد.

در مورد نرم‌افزار باید بگویم که کشور هند بیش از درآمد نفت ما از محل نرم‌افزارش صادرات دارد. ما هیچ مشکلی جز تسلط دولت برای نرم‌افزار نداریم. نیروهای آموزش دیده ما، استعدادها، خلاقیت ما و نیاز بازار داخلی ما همه

اجرا در نیاید مردم باور نمی‌کنند که دولت قصد ایجاد اشتغال دارد. با مبلغ ۲/۵ میلیارد دلار (حدافل ارزش اظهار شده کالای قاچاق) می‌توان سالانه دویست هزار شغل ایجاد کرد.

### اولویت بخشهای سه‌گانه

راه حل دیگر تمرکز بر سه مولفه مسکن، انرژی و نرم‌افزار (در مفهوم عام آن) است که اگر حمایت کافی شوند، اشتغال زیادی ایجاد خواهد شد.

داستانی را برای دوستان نقل کنم. من دوران کودکی‌ام را در نزدیکی محله‌ای در جنوب شرق تهران به‌نام میدان وثوق گذراندم. در آن منطقه مردی به‌نام وثوق همراه با شرکایش، شهرک می‌ساخت. وقتی شهرک ساخته شد، خودشان برق آن محل را تامین می‌کردند و مدرسه هم ساختند. آقای رستم گیو و شرکایش وقتی در تهران پارس شهرک‌سازی می‌کردند، خودشان قناتهای متروکه را آباد کردند تا آب تهران پارس را تامین کنند. برق آن منطقه را هم خودشان دایر کردند، مدرسه و سینما و میدان و پارک هم ساختند. بنابراین آنها نه تنها مسکن، بلکه آب و برق و دیگر نیازهای شهری مردم را هم خودشان تامین می‌کردند و نه تنها از محدودیت امکانات دم نمی‌زدند، بلکه بر روی فراوانی و روزافزونی آن تبلیغ می‌کردند.

ما اگر بخواهیم تمرکز بر روی مسکن داشته باشیم، اولین کار این است که دست تمام نهادهای دولتی مثل بنیاد مسکن، سازمان مسکن و وزارت مسکن را از مساله مسکن قطع کنیم. این سازمانها هستند که مسکن مملکت را فلج کرده‌اند و قیمت‌ها را به‌این حد رسانده‌اند. مسکن موتور محرکه اقتصاد کشور است. مشاغل بسیار زیادی وابسته به مسکن است و صنایع زیادی را به‌دنبال خود می‌کشد. خوشبختانه ساخت مسکن نیاز به تکنولوژی خیلی بالا ندارد و ما دانش کافی برای این کار داریم.

انرژی، داستان عجیبی دارد. به‌خاطر تسلط دولت بر انرژی، ما آن را بریاد می‌دهیم. دولت، انرژی را به‌خاطر دولتی‌بودن، از کیسه خلیفه می‌بخشد و ارزان در اختیار مصرف‌کننده قرار می‌دهد. اگر انرژی را این‌قدر ارزان مصرف نکنیم، اقتصادمان از نظر اشتغال و منابع به‌گونه‌ای دیگر خواهد شد. همیشه اول منابع و سپس اشتغال می‌آید. ریشه ایجاد اشتغال، ایجاد منابع است. ما اگر منابع ملی را که به‌خاطر ارزانی، می‌سوزانیم حفظ کنیم، منابعی خواهیم داشت که به‌دنبالش



کشور داریم که استفاده نمی‌شود، چه بسترهایی

باید بسازیم که از آن ظرفیتها استفاده شود؟

۲ - دوستان فرمودند که برای اشتغال باید جهانگردی، گردشگری و اکوتوریسم را گسترش دهیم. همان تفکر اول که گفتند یک جهان مدنی داریم که در آن تغییرات زیادی ایجاد می‌شود. اینها همه در خود گردشگری و جهانگردی است و ما می‌توانیم درآمدهای خیلی زیادی از این حوزه داشته باشیم. سیزده نوع آب و هوای مختلف در جهان وجود دارد که ۹ نوع آن در ایران دیده می‌شود. بنابراین ما یک جهان را در یک کشور داریم و می‌توانیم بهره‌برداری زیادی کنیم. فقط باید از طریق آموزش یاد بگیریم که چگونه می‌توانیم از این منابع استفاده بهینه کنیم.

۳ - دوستان در مورد اهمیت تکنولوژی اطلاعات (IT) سخن گفتند. من فکر می‌کنم که حرکت به طرف تکنولوژی دانش بر است و بسا توجه به جاذبه فراوان IT تمام جوانهای دانشگاه دیده ما می‌توانند جذب این بخش شوند. باید راههای توسعه این بخش را برای اشتغال جوانان مطالعه کرد.

۴ - به جایگزین کردن نیروهای ایرانی به جای خارجی‌ها به عنوان یک راه حل اشاره شد. قطعاً منظور از نیروهای خارجی، کارگران افغانی‌اند که احتمالاً آدمهای صادق‌تر، فعال‌تر و کم‌هزینه‌تری هستند. در این مورد هم باید فکر اساسی کرد.

۵ - تاسیس دانشگاههای خصوصی برای تقویت بخش خصوصی در ایران و انباشت تجربه به منظور دسترسی سریعتر به اشتغال مورد نیاز بویژه در صنایع، از ضروریات است.

۶ - به ایجاد جی‌سی‌ها (GC) اشاره شد که می‌تواند به میزان ۲۰ میلیارد دلار اشتغال ایجاد کند.

۷ - در مورد حساس بودن سرمایه‌گذاری خارجی صحبت شد. من سرمایه‌گذاری خارجی را به کبوتر تشبیه می‌کنم. دولت هم کبوتر باز است چند تا طوقی به عنوان کبوتر به هوا می‌فرستد و همه را سرپشت بام می‌نشانند و دانه می‌ریزد و تبلیغ می‌کند که انرژی ارزان، زمین ارزان و وام کم بهره می‌دهم. ولی از طرف دیگر قانون اساسی ما نه تنها اجازه نمی‌دهد که کبوتر بنشیند، بلکه طوقی‌های ما را هم با خودش می‌برد. بنابراین با این قانون اساسی، هرگز سرمایه‌گذاری خارجی برای اشتغال بیشتر صورت نمی‌گیرد.



### اسکویی:

**ما از لحاظ گردشگری و تنوع آب و هوا، یک جهان را در یک کشور داریم و می‌توانیم از طریق آموزش، از این منابع استفاده بهینه کنیم.**

**باتوجه به جاذبه فراوان تکنولوژی اطلاعات (IT)، باید راههای توسعه این بخش را برای اشتغال جوانان مطالعه و پیدا کرد.**

**با قانون اساسی فعلی، هرگز سرمایه‌گذاری خارجی برای اشتغال بیشتر صورت نمی‌گیرد.**

**نقش دولت در اقتصاد بد نیست، نقش دولت بد در اقتصاد، بد است.**

**پیوند با سازمانهای جهانی و جهانی فکر کردن، از عواملی است که بازار اشتغال را به شدت تحت تاثیر قرار می‌دهد.**

**دولت به جای وام سه میلیون تومانی، می‌تواند با پرداخت ۵۰ درصد حقوق کارآموز و آموزش، او را به کارگر ماهر تبدیل کند.**

جمع‌بندی مطالب باید عرض کنم که عزیزان شرکت‌کننده در میزگرد جمعا سیزده مورد را برای ایجاد اشتغال پیشنهاد کردند و به عبارتی ما باید سیزده جزیره بسازیم که من به طور خلاصه به آنها اشاره می‌کنم.

۱ - گفته شد که ما ظرفیتهای بسیار زیادی در

می‌شود، باید قیمت همان کالایی را داشته باشد که وارد مرزهای آمریکا، فرانسه و انگلیس می‌شود؛ یعنی دیگر کسی نمی‌تواند دمپینگ بکند و خواه‌ناخواه سیستم قاچاق هم با سیستم آسانتری از بین خواهد رفت. به این دلیل پیوند با سازمانهای جهانی و آنچه که به اصطلاح امروز استفاده‌دهنده بین‌المللی است، از ضروریات حتمی برای ایجاد اشتغال سازنده است.

نکته دوم اینکه ما باید میزان داناییهای کشور را بالا ببریم. دوستان به نرم‌افزار اشاره کردند. ولی واقعیت این است که همزمان با افزایش داناییها مساله کارآفرینی در مملکت ما باید به صورت گسترده و علمی افزایش یابد. من حکومت را به خاطر یک کار بسیار قشنگ تحسین می‌کنم که نشان می‌دهد ما تواناییهای بسیار زیادی در درون خودمان داریم.

شما آموزش قرآن را ببینید. چقدر زیبا این آموزش در سطح مملکت گسترده شده است به طوری که کودکان ۵ ساله حافظ قرآن شده‌اند و توانسته‌اند نوبغ خودشان را بروز دهند. پس ما این توانایی را داریم که دانش و دانایی و ابتکار را هم در کشور آموزش و توسعه بدهیم. ما در این نظام می‌توانیم در یک فضای آزاد و رقابتی با پرداختن به بخشهای ساختمان، خودرو، تکنولوژی اطلاعات، گردشگری، جی‌سی‌ها، انرژی و سایر قسمتها ایجاد اشتغال کنیم؛ به شرطی که دانایی و کارآفرینی را در سطح وسیع آن در جامعه گسترش دهیم و درعین حال با همه کشورهای جهان به تعامل بپردازیم.

البته شرط ارتباط با جهان آزاد و منابع مالی بین‌المللی این است که دولت خودش را کوچک کند و از بسیاری از مسائل اقتصادی دست بردارد. این شرطی را که من گذاشتم به خاطر این است که فرمایش تمام دوستان را در درون خودش دارد و از الزامات بحثهای آنان محسوب می‌شود.

نحقی منش: یک ضرب‌المثل چینی می‌گوید که اگر کسی را می‌خواهید برای یک روز سیر کنید یک ماهی در اختیارش قرار بده، اگر می‌خواهید برای عمری سیرش کنید، ماهی‌گیری را به او آموزش دهید. من فرمایش آقای بهشتی را تکمیل کنم. به جای پرداخت وام به افراد برای ایجاد اشتغال، بهترین کار این است که روش فکرکردن و کارکردن را یاد بدهیم چه بسا ما امکاناتی داشته باشیم که درباره‌اش فکر نشده باشد.

### جمع‌بندی و پیشنهاد

اسکویی: ضمن تشکر فراوان از دوستان، برای



### خاتمی:

توسعه فعالیتهای عمرانی نه تنها در پروژه‌های عمرانی، بلکه در کلیه زیرمجموعه‌های تولیدی و خدماتی که نیازهای جانبی این پروژه‌ها را تامین می‌کنند، موجب ایجاد اشتغال مولد می‌شود.

در حال حاضر قاچاق کالا، باعث کاهش تولید و پایین آمدن سودآوری بنگاههای تولیدی شده و اشتغال را مورد تهدید جدی قرار داده است.

توسعه فعالیتهای تکنولوژی اطلاعات (IT) در کشور و بهره‌گیری از نیروهای جوان در این زمینه و نیز بهادادن به کارآفرینان باعث اشتغال موثر خواهد شد.

بر اساس آمارهای موجود، توسعه فعالیتهای تکنولوژی اطلاعات، موجب صادرات حدود ۸ میلیارد دلار نرم‌افزار از کشور هند شده است.

تدبیر: ضمن سپاس مجدد از صاحب‌نظران شرکت‌کننده در این میزگرد، امید است مباحث میزگرد اشتغال که در دو شماره تقدیم علاقه‌مندان شد، گام مفیدی در جهت شناخت بیشتر تنگناها، گشایش گره‌های ناشناخته و در نهایت ایجاد اشتغال مولد و سازنده تلقی شود. □

سازمان برنامه و بودجه به‌خاطر اینکه بسترهای لازم را در اقتصاد به‌وجود آورد و بخش خصوصی را تشویق به سرمایه‌گذاری کند، ایجاد شد. مثال دیگر اینکه ارهارد که در سال ۱۹۳۳ با هیتلر به قدرت رسید، از دانشگاه استعفا داد و خانه‌نشین شد. در سال ۱۹۴۵ وقتی آلمان جنگ را باخت، ارهارد اولین کسی بود که برنامه اقتصاد آلمان را پس از شکست هیتلر در جنگ ارائه داد و خودش وزیر اقتصاد آلمان شد. دولت باید برنامه و درک اقتصادی داشته باشد. عملکرد دولت بد در اقتصاد، بد است. برای تحول به بسترسازی نیاز است. قوانین کار، قانون بانکی، قوانین گمرکی و مالیاتی باید توسط دولت، درست تدوین شود. قانون مالیاتها نباید قانون تخلیه نقدینگی بخش خصوصی باشد. در چنین شرایطی اشتغال ایجاد نخواهد شد.

۹ - دوستان محدود کردن قاچاق کالا را یکی از راه‌حلی‌های اساسی برای ایجاد اشتغال دانستند که قطعاً نقش عمده‌ای دارد.

۱۰ - به تمرکز بر روی مسکن، انرژی و نرم‌افزار به‌منظور جذب نیروی بیشتر برای اشتغال اشاره شد.

۱۱ - پیوند با سازمانهای جهانی و نیز جهانی‌فکر کردن از عواملی است که بازار اشتغال را به شدت تحت تاثیر قرار می‌دهد.

۱۲ - فعالیت در زمینه راهسازی، بهترین امکان برای ایجاد اشتغال جهت افراد کمتر تحصیل کرده است.

۱۳ - سیاست تثبیت شنهای روان و جنگل‌کاری می‌تواند نیروهای بیکار فراوان را جذب کند.

در پایان این جمع‌بندی من یک پیشنهاد دارم. در کشورهای اروپایی معمولاً این‌گونه است که اگر یک وکیل دادگستری بخواهد دفتر وکالتی دایر کند باید چهار نفر کارآموز در خدمت بگیرد. ۵۰ درصد حقوق این کارآموزان را شخص وکیل و ۵۰ درصد دیگر را دولت می‌پردازد. تمام این کارآموزان هفته‌ای یک روز آموزش می‌بینند. در نتیجه همیشه فرد با سه کارآموز کار می‌کند. کلاسها هم مشخص است. در ایران با توجه به مشاغل مختلف، اگر هر کارفرما چهار کارآموز در اختیارش باشد، نیاز نیست که دولت به هر کدام سه میلیون تومان وام بدهد. کافی است که ۵۰ درصد حقوق کارآموز را بپردازد، آموزش بدهد و کارآموز را به کارگر ماهر تبدیل کند. به این ترتیب همان رابطه استاد و شاگردی گذشته را می‌توان به صورت جدید، متحول و اجرا کرد.



### سانقه:

برای رفع عارضه خطر ناک بیکاری در کشور، در مرحله اول و کوتاه مدت، می‌توان توسعه ساخت مسکن را به عنوان محور ایجاد اشتغال در پیش گرفت.

فعال کردن بخش مسکن در کوتاه مدت می‌تواند از یک طرف نقش عمده‌ای در ایجاد مسکن داشته باشد و از سوی دیگر مشاغل متعددی را در حوزه‌های خدمات و تولید ایجاد کند.

امروزه در کشورهای صنعتی، بانکها در قلب فعالیتهای اقتصادی قرار دارند.

چنانچه بانکها از صنعت، بازرگانی و خدمات حمایت موثر نکنند، نمی‌توانند به درجه مناسبی از رشد و پیشرفت دست یابند.

۸ - فرمودند بخش خصوصی از نقد خود نسبت به دولت بکاهد و با دولت مشارکت و همکاری کند. من می‌گویم که نقش دولت در اقتصاد بد نیست، نقش دولت بد در اقتصاد، بد است. من دو مثال تاریخی می‌زنم. یکی حرکتی است که دکتر مصدق کرده است. در سال ۱۳۲۷،